**حضرت فاطمه (س) در انديشه امام خميني (ره)**

نويسنده : علي تاج الديني

**مقدمه**

هستي شناسي و انسان شناسي امام خميني تحت تاثير انديشه عرفاني قرار دارد.  
امام خميني نزديكترين قرائت به اسلام حقيقي را، قرائت عارفان اعلام كرده است. به نظر وي هيچ‌يك از طوايف علمي از متكلمين و فلاسفه به اندازه عارفان به فهم دين و زبان دين قائل نشده‌اند. قبل از ورود در موضوع مقاله، فهم اين نكته ضروري است كه امام خميني در آثار كتبي و شفاهي‌اش به حضرت صديقه طاهره (س)، با زاويه ديد عرفان نگريسته‌اند. از طرفي امام چون به عزت اسلامي توجه خاص داشت و خود منظر عزت مسلمين بود، نسبت به مظالمي كه در دنيا نسبت به حقوق زن مي‌شد و بخشي از اين مظالم ناشي از قرائت‌هاي غلط از اسلام شكل گرفته بود، به شدت نسبت به حقوق زن حساس بود. مشاركت زنان مسلمان كه تا قبل از انقلاب مقوله‌اي فراموش شده بود با تهييج امام خميني در انقلاب اسلامي شكل گرفت. شاخص امام خميني در همه بحث‌هاي مربوط به حقوق زنان بر مبناي سيره مبارك حضرت فاطمه (س) و انديشه‌ها و گفتارهاي آن بزرگوار شكل مي‌گرفت. بنابراين به طور كلي حضرت فاطمه (س) در انديشه امام خميني در دو قسمت پررنگ است:  
1. حوزه عرفان  
2. حوزه سياست

**الف – مقام عرفاني فاطمه (س)**

امام خميني در آثارشان مقام ائمه اطهار (س) را به لحاظ مراتب معنوي و باطني مساوي رسول الله (ص) دانسته‌اند، اگرچه رسول اكرم (ص) در باطن اصل و ائمه (ع) پيرو و به تبع آن حضرت مطرح شده‌اند، اما از آنجا كه "كلهم نور واحد" هستند، ترتب پيامبر (ص) بر حضرت زهرا (س) ترتب زماني است و نه رتبي. به نظر امام خميني رسول اكرم (ص) و ائمه (ع) قبل از اين عالم، انواري بوده‌اند در ظل عرش، و در انعقاد نطقه و طينت از بقيه مردم امتياز داشته‌اند و مقاماتي دارند الي ماشاءالله، چنانكه در روايات معراج جبرئيل عرض مي‌كند:لو دنوت انمله لاحترقت (هرگاه كمي نزديكتر مي‌شدم، سوخته بودم) يا اين فرمايش كه" ان لنا مع الله حالات لايسعه ملك مقرب و لانبي مرسل" (ما با خدا حالاتي داريم كه نه فرشته مقرب آن را مي‌تواند داشته باشد و نه پيامبر مرسل"، اين جزء اصول مذهب ماست كه ائمه (ع) چنين مقاماتي دارند... اين مقامات سواي وظيفه حكومت است. (ولايت فقيه ص 53-54)  
مطابق اين انديشه‌، اگر حضرت زهرا (س) در زمان پيامبر (ص) مي‌بودند رسالت را بر عهده مي‌گرفتند.  
نكته عرفاني ديگري كه امام به تبع از عارفان بزرگوار اسلام در مقام حضرت زهرا (س) به خوبي تحليل كرده‌اند، در تفسير سوره ليله‌القدر است، عارفان در آثارشان نماد روز را به امير‌المومنين(ع) و نماد شب را به حضرت زهرا (س) تطبيق كرده‌اند. روز مظهر ولايت و شب مظهر غيب است.  
در روز ماه رمضان تكليف روزه‌داري بر عهده روزه دار است و در شب رمضان، تكليف برداشته مي‌شود. در روايات شيعه، ليله‌القدر را به صديقه طاهره (س) تطبيق نموده‌اند. در حقيقت ليله‌القدر از باطن مبارك فاطمه نازل مي‌شود. به اعتقاد امام خميني دلالت بر آنچه احتمال داديم از حقيقت ليله‌القدر مي‌كند حديث شريف طولاني كه در تفسير برهان از كافي شريف نقل فرموده و در آن حديث است كه نصراني مي‌گفت به حضرت موسي بن جعفر كه تفسير باطن " حم والكتاب المبين انا انزلناه في ليله مباركه اناكنا منذرين، فيها يفرق كل امر حكيم" (دخان11-4) چيست، امام فرمود: اما "حم" محمد صلي الله عليه و آله است و اما "كتاب‌ مبين" اميرالمومنين علي است و اما "اليله" فاطمه عليهما‌السلام است. (آداب‌الصلوه، 329-330)  
نكته عرفاني ديگري كه بارها امام خميني در مورد حضرت صديقه (س) مطرح نموده‌اند، تنزيل جبرئيل در مجلس حضرت فاطمه (س) بوده است. جبرئيل آن‌گونه كه قرآن توصيف فرموده بزرگترين فرشته خداست كه مأمور علم در جهان است. تمام علومي كه در عالم منتشر مي‌شود از خزينه فرشته‌اي به نام جبرئيل نازل مي‌گردد. خداوند از وي به "قوي و امين" تعبير نموده و كفر به جبرئيل را كفر به خدا مي‌داند.  
عارفان در تنزيل معاني از عالم غيب سخن عميقي دارند. به نظر عرفا پيامبر صرفا آينه‌اي نبود كه سخن خدا را در خود منعكس كند بلكه نزول و تنزيل رابطه‌اي مستقيم با حقيقت فردي دارد كه بروي وحي نازل مي‌شود. در حقيقت مطابق انديشه‌ عرفاني، پيامبر (ص) به لحاظ قدرت باطني به درجه‌اي بود كه جبرئيل را از مرتبه عقول نازل مي‌كردند و مانند بچه دبستاني بدنيا مي‌آوردند و با وي گفتگو مي‌كند...  
بااين مبنا را مي‌توان نزول جبرئيل در محضر حضرت فاطمه (س) را درك كرد. امام خميني ضمن آنكه خود را عاجز از توصيف معنوي حضرت فاطمه (ع) مي‌داند، مي‌گويد: "فقط اكتفا مي‌كنم به يك روايت كه در كافي شريفه است و با سند معتبر نقل شده است و آن روايت اين است كه حضرت صادق (ع) مي‌فرمايد: فاطمه (س) بعد از پدرش 75 روز زنده بودند در اين دنيا، و حزن و شدت بر ايشان غلبه داشت و جبرئيل امين مي‌آمد خدمت ايشان و به ايشان تعزيت عرض مي‌كرد و مسائلي از آينده نقل مي‌كرد. ظاهر روايت اين است كه در اين 75 روز مراد دهاي بوده است، يعني رفت و آمد جبرئيل زياد بوده است و گمان ندارم كه غير از طبقه اول از انبياي عظام درباره كسي اين طور وارد شده باشد كه در ظرف 75 روز جبرئيل اين رفت و آمد را داشته است و مسائلي را در آتيه‌اي كه واقع مي‌شده است، مسائل را ذكر كرده است و آنچه كه به ذريه او مي‌رسيده است در آتيه، ذكر كرده است و حضرت امير هم آنها را نوشته است، كاتب وحي بوده است، حضرت امير، همان‌طوري كه كاتب وحي رسول خدا بوده است، كاتب وحي حضرت صديقه در اين 75 روز بوده است. مسأله آمدن جبرئيل براي كسي يك مسئله ساده نيست. خيال نشود كه جبرئيل براي همه كسي مي‌آيد و امكان دارد بيايد، اين يك تناسب لازم است بين روح آن كسي كه جبرئيل مي‌خواهد بيايد و مقام جبرئيل كه روح اعظم است، چه ما قائل شويم به اينكه قضيه تنزيل، تنزل جبرئيل، بواسطه روح اعظم خود اين ولي است يا پيغمبر است. او تنزيل مي‌دهد او را وارد مي‌كند تا مرتبه پايين يا بگوييم كه خير، حق تعالي او را مأمور مي‌كند كه برو و اين مسائل را بگو... حتما درباره ائمه هم من نديده‌ام كه وارد شده باشد اين طور كه جبرئيل بر آنها نازل شده باشد، فقط اين است كه براي حضرت زهرا (س) است كه آنكه من ديده‌ام كه جبرئيل به طور مكرر در اين 75 روز وارد مي‌شده است. در هر صورت من اين قرائت و فضيلت را از همه فضايلي كه براي حضرت زهرا (س) ذكر كرده‌اند، با اينكه آنها هم فضايل بزرگي است \_ اين فضيلت را من بالاتر از همه مي‌دانم كه براي غير انبيا (عليهم‌السلام) آن هم نه همه انبيا، براي طبقه بالاي انبيا (عليهم‌السلام) و بعضي از اوليايي كه در رتبه آنها هست، براي كس ديگر حاصل نشده، اين از مختصات حضرت صديقه (س) است. (صحيفه نور20/ ص4-16)

**ب- مقام سياسي اجتماعي حضرت فاطمه (س)**

امام در حوزه سياست، آراء مهمي دارند. آراء سياسي امام قبل از آنكه در حوزه سياست مطرح شده باشد در مباني عرفاني ايشان طرح گرديده است. امام خميني در كتابهاي عرفاني چه در تفسير "انعمت عليهم" و چه در تفسيري كه از "كوثر" ارائه مي‌دهند، مقام انعمت عليهم را برزخ ميان وحدت و كثرت يعني مقام "ضالين"، "مغضوب عليهم" مي‌دانند و تعبيرشان از "حوض كوثر" تعبيري عرفاني است، حوض كه آب در آن جمع مي‌شود در مظهر وحدت جمعي و "كوثر" اشاره به كثرت دارد.  
در روايات است كه سوره كوثر به معناي خير كثير مصداق اتمش حضرت فاطمه (س) است. خداوند از طريق فاطمه (س) و اولاد پاك او بركات را در عالم پراكنده مي‌كند و از قيامت تمام فضليت‌ها در اين حوض تجسم پيدا مي‌كنند.  
به اعتقاد امام خميني عينيت دين و سياست، با تفسيري كه از كوثر ارائه مي‌دهند قابل تبيين است. بنابراين فاطمه (س) مظهر اتم رابطه دين و سياست مي‌گردد. از اين معناي بلند عرفاني كه تبيين رابطه دين و سياست را عمق مي‌بخشد بگذريم، براي امام خميني فاطمه (س) مظهر دين سياسي است.  
به نظر امام اسلام حقيقي كه اسلام پابرهنگان و اسلام مبارزه فقر و غنا با اشرافيت است، در كوخ كوچك حضرت فاطمه (س) به حد اعلي درجه خود رسيده است. امام بر ساده‌زيستي خانه زهرا (س) تأكيد زيادي مي‌كردند و از خانم‌هاي انقلابي مي‌خواستند كه در دنيا خود را از تعلقات پاك كنند اما مانند زهرا (س) در عرصه‌هاي اجتماعي حضور پيدا كنند، خود را صرفا با ادعيه و زيارات مشغول نكنند.  
زن مسلمان حقيقي از نظر مصرف‌گرايي به حداقل قناعت مي‌كند اما از نظر نفع‌بخشي به جامعه حداكثر فايده را به اجتماع مسلمين مي‌رساند. امام در توصيف خانه حضرت زهرا (س) مي‌گويند: حضرت امير سلام الله عليه كه خليفه مسلمين بود، خليفه يك مملكتي كه شايد ده مقابل مملكت ايران بود، از حجاز تا مصر، آفريقا، و يك مقدار هم از اروپا، اين خليفه الهي وقتي توي جمعيت بود مثل همه ما كه نشسته‌ايم با هم، اين هم ( اشاره به زيرانداز) زير پايش نبود. همين بود كه يك پوست داشتند، به حسب نقل \_ يك پوست داشتند كه شب خودش و حضرت فاطمه رويش مي‌خوابيدند و روز روي همين پوست علوفه اشترش را مي‌ريخت پيغمبر هم همين شيوه را داشت، اسلام اين است. (سخنراني مورخ 13/4/52) همين خانه كه تا اين حد ساده بود، از نظر بركات اجتماعي اعجاب‌آور بود. اين خانه كوچك فاطمه سلام‌الله عليها و اين افرادي كه در آن خانه تربيت شدند كه به حسب عدد، چهار، پنج نفر بودند بر حسب واقع، تمام قدرت حق تعالي را تجلي دادند، خدمتهايي كردند كه ما را و شما را و همه بشريت را به اعجاب آورده است. (18/12/60)  
زني كه در حجره‌اي كوچك و محقر، انسانهايي تربيت كرد كه نورشان از بسيط خاك تا آن سوي افلاك و از عالم ملك تا آن سوي ملكوت اعلي مي‌درخشد (25/1/61)  
ما يك كوخ چهار-پنج نفري در صدر اسلام داشتيم و آن كوخ فاطمه زهرا (س) است. از اين كوخها هم محقرتر بوده لكن بركات اين چي است؟ اين كوخ‌نشينان در كوخ محقر، در ناحيه معنويات آن قدر در مرتبه بالا بودند كه دست ملكوتيها هم به آن نمي‌رسد و در جنبه‌هاي تربيتي آن قدر بوده است كه هرچه انسان مي‌بيند بركات در بلاد مسلمين هست و خصوصا در مثل بلاد ماها، اينها از بركت آنهاست. (1/1/62)  
امام خميني معتقد بودند كه ادعاهاي زنان مسلمان نسبت به دست‌آويز به حبل فاطمه (س) به صرف ادعا صحيح نيست و گوينده آن اگر در مقام عمل به عامل به سيره فاطمه (ص) نباشد، دروغگو خوانده مي‌شود. به نظر امام اگر زنان مسلمان شيعه ايراني، زهد و تقوا و ساده‌زيستي و حق پرستي زهرا را تبعيت نكند. بايد بدانند كه داخل در روز زن نشده‌اند، هر كسي نپذيرفت، اين در روز زن وارد نشده است و در اين شرافت وارد نشده است. (11/12/62)

منبع: سایت موعود